

## خبرها

### کروبی:

#### همبستگی، حکمت را پذیرفت

ایلنا: دو طیف دارای اختلاف حزب همبستگی با پذیرش حکمت‌بحث‌الاسلام مهدی کروبی برای پایان دادن به اختلافات موجود، زمینه را برای برگزاری کنگره حزب در آینده نه چندان دور فراهم آورده‌اند.
حجت‌الاسلام مهدی کروبی دبیرکل حزب اعتماد ملی ضمن تأیید این موضوع تصریح کرد: چندی پیش با تشدید اختلافات دو طیف حاکم در حزب همبستگی، از بنده خواسته شد که به عنوان حکم وارد ماجرا شوم و با تمام توان در جهت نزدیک کردن و تسبیب دیدگاه‌های دارای اختلاف، عمل کنم که چندی پیش این حکمت‌موشر واقع شد و مقرر گردید طرفین با برگزاری کنگره، نسبت به تعیین تکلیف آینده حزب از طریق مکانیسم‌های قانونی اقدام کنند.
کروبی همسچنین همچنین تأکید کرد: طی این مدت جلسات متعددی با اعضای موثر حزب همبستگی برگزار شد و تلاش گردید تا حساسیت شرایط کنونی و همچنین آینده مخاطره‌انگیزی که در انتظار حزب است، برای اعضای حزب تشریح شود که در نهایت آقای اصغر زاده و همفکرانش پذیرفتند، منتظر نتیجه کنگره حزب بمانند و هرگروه با طیفی در کنگره با اقبال اعضا مواجه شد، دیگران نیز با آنها همکاری و همراهی لازم را به عمل آورند.

مهدی کروبی دبیرکل حزب همبستگی

#### خرزعلی: بوی پیراهن یوسف می آید

ایسنا: آیت‌الله خرزعلی دبیرکل بنیاد بین المللی الغدیر خطاب به مسلمانان جهان گفت: بوی پیراهن یوسف می‌آید و من از مسلمین می‌خواهم این بو را استشمام کنند.
وی همچنین تأکید کرد: منتظر واقعی کسی است که همواره مواظب است تا علامتی پیدا شود یعنی دست روی دست نمی‌گذارد.
خرزعلی در ادامه به فعالیت دشمنان مهدویت اشاره کرد و گفت: متأسفانه دشمنان مهدویت دستگاہ‌های تبلیغی فراوانی دارند و از ظهور حضرت مهدی (عج) و بر هم خوردن وضعیت خودشان نگران هستند.

آیت‌الله خرزعلی دبیرکل بنیاد بین المللی الغدیر

#### انتقاد از احضار به کمیته انضباطی

ایلنا: انجمن اسلامی دانشجویان دموکراسی‌خواه دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در اطلاعیه‌ای به احضار دانشجویان و فعالان دانشجویی این دانشگاه به کمیته انضباطی اعتراض کرد.
در این اطلاعیه آمده است: متأسفانه شاهد احضار بیش از ۴۰ نفر از فعالان دانشجویی این دانشگاه هستیم. انجمن اسلامی دانشجویان دموکراسی‌خواه دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در اطلاعیه خود با محکوم کردن روند فعلی کمیته‌های انضباطی دانشگاه‌تهران خواهان توقف این روند و تصحیح آن شد.
در پایان این اطلاعیه اسامی تعدادی از دانشجویان و فعالان دانشجویی احضار شده به کمیته انضباطی آمده که به شرح زیر است: سارا سعیدی (روانشناسی)، هومن بخشعلی‌زاده، رضا قاضی‌نوری، بهنام سپهرمند، عیسی عادل، میثم قاسمی، مصطفی کوهی (مدیریت)، فاطمه هزارخانی، مصطفی احمدزاده، فرهاد قربان‌زاده، (استاد جوانمرد، شاهو رسنگاری، سحر رضازاده، پگاه حمزه‌ای، زینب پیغمبرزاده، مجتبی بیات، فرید هاشمی، نعیمه علی‌پور (علوم اجتماعی)، احسان دولتشاه، احمد خداداد (ادبیات)، امیراحمد انزازی، محسن پرند (علوم پایه)، (دبیر)، کیوان اسامی (فنی)، آناهیتا حسینی، سمانه مرادیانی، ته‌مینه مرادی، ساناز فاتح، هدی توحیدی، پریسا نصرآبادی، هستی بزرگ‌نیا (حقوق و علوم سیاسی)، کبیری و میرزایی.

مهدی کروبی دبیرکل حزب همبستگی

#### تبرئه ابراهیم یزدی

ایلنا: شعبه سوم بازپرسی دادرسی ویژه کارکنان دولت، ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران را از اتهامات انتسابی تبرئه کرد.
چندی پیش مدعی‌العموم از ابراهیم یزدی به اتهام توهین به شورای نگهبان اعلام شکایت کرد که در همین راستا برای دبیرکل نهضت آزادی ایران پرونده‌ای تشکیل و به شعبه سوم بازپرسی دادرسی کارکنان دولت ارجاع شد.
انتهام ابراهیم یزدی مربوط به عملکرد شورای نگهبان در جریان رد صلاحیت‌های کاندیدهای مجلس هفتم بود.

مهدی کروبی دبیرکل حزب همبستگی

#### سالگرد برای حاج‌داود کریمی

ایسنا: مراسم گرامیداشت دومین سالگرد شهادت حاج داوود کریمی در مسجد الرسول(ص) نازی‌آباد برگزار شد.
این مراسم که آیت‌الله امجد، محسن رضایی، حجت‌الاسلام دعایی، عبدالله رمضان‌زاده، سعید حجاریان، لطف‌الله میثمی تعدادی از هم‌زمان شهید حاج داوود کریمی و خانواده‌های شهدا و ایثارگران حضور داشتند، یاد و خاطره این سردار شهید گرامی داشته شد.
محسن رضایی در این مراسم ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای دفاع مقدس به‌خصوص حاج داود کریمی وی را یکی از پیشکسوتان انقلاب و دفاع مقدس و از پیشگامان ایثار و فداکاری نامید.

مهدی کروبی دبیرکل حزب همبستگی

■ می‌دانیم که در زمینه حقوق فرد و جامعه دو تفکر روبه‌روی هم قرار دارند. یکی کالکتیویسم که اصالت را به جامعه می‌دهد و فرد را تابعی از واقعیت اجتماعی می‌شناسد. در این نظریه فرد اصالت ندارد، هر چه دارد و هست انعکاسی از هستی اجتماعی و فرهنگ و نظام جامعه است. در مقابل این نظریه دیدگاه اصالت فرد یا اندیویدوالیسم است که در آن فقط فرد اصل و واقعی است و جامعه امری اعتباری است و فی‌نفسه واقعیت ندارد لذا هدف باید تأمین آزادی و حقوق فردی باشد نه جامعه حال از آنجا که مرحوم محمد نخبش به عنوان ایدئولوگ نهضت خدایرستان سوسیالیست، به امر اجتماعی بسیار اهمیت می‌داد بدون آنکه فرد را در واقعیت اجتماعی حل کند و آزادی و حقوق فردی را نادیده بگیرد، او چگونه با این دو دیدگاه برخورد می‌کرد؟

نخبش هر دو دیدگاه یک‌بعدی و افراطی را مردود می‌دانست و شاید هم تا حدودی متأثر از آموزه‌های قرآن به هر دو اصالت می‌داد و هر دو را واقعی می‌دانست. هم فردانیت فرد امری محقق است و لذا باید به آزادی و استقلال فکر و لوچک فردی احترام گذاشت یعنی فرد مستقل و وجدان مستقل فردی باید باشد اما بستر زیست انسان‌ها جمعی است و هم جامعه که بستر ایجاد، پرورش، زیست و رشد فرد است امری واقعی است و از فرد مستقل است. برای حفظ سلامت جامعه از همکاری و همبستگی اجتماعی گریزی نیست اما خارج از ارتباطات اجتماعی نمی‌توان زیست، مسئولیت‌های فرد در مبارزه برای تأمین آزادی، رشد، ترقی و سلامت جامعه با برابری و عدالت اجتماعی ریشه در همین وابستگی زندگی فردی با حیات جامعه دارد.

از آغاز دهه هفتاد به این طرف عده‌ای با تأکید یک‌جانبه و افراطی بر آزادی و حقوق فردی و تبلیغ آرمان‌های اجتماعی و حضور ارزش و اخلاق در جامعه و سیاست انگیزه‌های همبستگی انسانی و جمعی و مبارزه و فداکاری برای هدف‌های مشترک و خیر عموم را از قشرهای جوان تحصیلکرده سلب و سیاست را به عنوان یک دانش تخصصی به قلمرو نخنگبان محدود کردند. پیش از آن مردم به انگیزه‌های دینی و اخلاقی خود را موظف به فعالیت و فداکاری در راه عقیده، آزادی، عدالت و نجات ملت و میهن می‌دانستند و اتحاد و همبستگی و مبارزه و ایثار را یک ارزش می‌دانستند. اما اکنون در اثر ارزش و اخلاق‌زدایی از سیاست و جامعه و تبدیل دین به یک دغدغه درون‌فردی و صد البته ناکامی‌ها و نومیدی‌ها، بسیاری از مردم به حوزه زندگی خصوصی رانده شده‌اند.

این گروه از روشنفکران ثمره تأکید یک‌سویه بر فردگرایی و جدایی میان اخلاق و ارزش و سیاست و جامعه را زمامی چیدند که مردم را به حمایت از اصلاح طلبان در مجلس و حوزه حکومت فراخواندند و با سکوت و بی‌تفاوتی مردم و دانشجویان روبه‌رو شدند. این پدیده دور از انتظار نبود. زیرا بیش از آن کوششی در تبلیغ ارزش‌های ضروری برای ایستادگی و همبستگی و فداکاری در میان مردم نگردند و نیاز به شکل و سازماندهی آنان و تصویب مبانی فکری و اخلاقی مبارزه برای آزادی، دموکراسی و عدالت نمی‌دیدند. به این امید که خود در تنهایی و تنها با ضمانت انتخاباتی (آرا) مردم برنامه اصلاحات را در حکومت به انجام رسانند. آنها احتیاجی به بسیج اجتماعی نمی‌دیدند تا به لوازم آنکه تبلیغ و آموزش ارگان‌ها و ارزش‌های انسانی و جمعی است عمل کنند. اما وقتی در برابر قدرت مداخلات اصلاحات متوقف و مجبور به عقب‌نشینی شدند و نیاز به حمایت فعال مردم و پایداری مدنی داشتند، پشت سر خود را خالی و مردم را منفعل و بسیاری را سر در گریبان علایق شخصی خویش یافتند. چرا که نتوانسته بودند نیروهای هوادار در جامعه را بسیج کنند. زیرا که سیاست را به عرصه عمومی نیاورده بودند و اخلاق و مذهب را از عرصه عمومی به کلی جدا کرده بودند. پس انگیزه و دلیلی وجود نداشت که مردم ایستادگی کنند و هزینه بپردازند و به جای آن رفتند دنبال زندگی‌شان البته اگر باز هم فرصتی پیش بیاید که احساس کنند با رای دادن به کسی سفره‌شان رنگین شود می‌آیند و رای می‌دهند و همین و بس. به این امید که تا حدودی از محرومیت‌ها کم شود. در دوم خرداد احساس‌شان این بود که اصلاح طلبان می‌توانند از محدودیت‌ها کم کنند لذا رفتند و به آنها رای دادند که چون نتیجه نداد از آنان نومید شدند و رهایشان

## سیاست

## محمدنخشب، دموکراسی سوسیالیسم و اخلاق در گفت‌وگو با حبیب‌الله پیمان

# توقف سیاست ورزی در عرصه عمومی

محمدنخشب، دموکراسی سوسیالیسم و اخلاق در گفت‌وگو با حبیب‌الله پیمان

محمدنخشب، دموکراسی سوسیالیسم و اخلاق در گفت‌وگو با حبیب‌الله پیمان

کروند. در نوبت بعدی به این امید که از محرومیت‌های مادی کم شود رای به نامزدی دادند که داعیه‌عدالت‌پروری داشت. باید دید چه اتفاقی افتاده است که سیاست‌ورزی در عرصه عمومی متوقف شده. در جایی کوشش افرادی نظیر نخبش با بعد هم شریعتی این بود که باید سیاست را به عرصه عمومی بیاورند زیرا پایگاه اصلی سیاست‌ورزی در عرصه عمومی است و مسئولیت اصلی تغییرات هدفمند در جامعه بر دوش انسان‌های خودگذا و پراگندگی پراستقامت است.

■ **ولی آنچه که هنوز جای پرسش دارد این است** مرحوم نخبش و سپس مرحوم شریعتی به صورت واکنشی عمل کرده‌اند یعنی در دوره زمانی آنها گفتمان غالب سوسیالیسم و انقلاب بوده است بنابراین سعی کردند از دین برداشت‌های سوسیالیستی یا انقلابی داشته باشند. یعنی همان گونه‌که مهندس بازرگان می‌خواستند دین را علمی جلوه دهند.

این ایراد تا حدودی درست است. اجازه بدهید، این وضعیت را صورت‌بندی کنیم. در زمان مهندس بازرگان ساینسیسم و پوزیتیویسم در میان نخنگبان علمی، روشنفکری و سیاسی ایران نفوذ داشت. مهندس بازرگان که دغدغهٔ دینی داشت و در ضمن روایت پوزیتیویستی روش‌های علمی را پذیرفته بود، در ذهن کرد روش مزبور و دستاوردهای علوم تجربی و اثبات گرایی را مبنا و ملاک مهم دین قرار دهد. در زمان شریعتی هم مفهوم انقلاب را مطرح کرد و همسویی میان علم و دین را به اثبات رساند. در زمان شریعتی پدیده انقلاب و ضدسلطه امپریالیستی و سرمایه‌داری جهانی در شکل جنبش‌های رهایی‌بخش به ویژه در کشورهای جهان سوم، پدیده‌ای غالب بود که اذهان اکثریت روشنفکران و فعالان سیاسی، آزادیخواه و عدالت‌طلب را در تسخیر خود داشت. شریعتی هم سعی کرد اسلام را در حمایت و تأیید آن جنبش‌ها و عمل تفکر و کنش اجتماعی خارج از شرایط دوران (تاریخ) صورت‌بندی می‌گیرد. هر دوران اقتضانات و گفتمان‌های خاص خود را دارد. هر متفکر یا کشگر سیاسی اجتماعی ناگزیر باید در قالب زبان و مفاهیم رایج در دوران سخن بگوید و به مسائل به‌طور کلی ایرادی نداشته باشد البته این مهم است که مقوله‌ای مطرح در زمان را بدون نقد یا آن نیازهای عصر جواب دهد. بنابراین نخبش، بازرگان و شریعتی هیچ یک از مواجیه با زبان علمی و گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی عصر خود گریزی نداشتند. اما آنها دو راه در برابر خود داشتند، اول پذیرش بدون نقد و پیروی کامل از آن نظریه‌های علمی و سیاسی و سعی در تطبیق دادن آموزه‌های دینی با آن نظریات یعنی تفکر و عمل در درون حوزهٔ آن اندیشه‌ها و



مفاهیم. دوم گفت‌وگوی انتقادی با آن اندیشه‌ها و نقد آنها از مبانی خارج از آنها، مثلاً بر پایه مبانی جهان‌پریوری توحیدی. شریعتی از مواجهه با واقعیت جهان سرمایه‌داری و بورژوازی لیبرال و سلطه‌جویی قدرت‌های امپریالیستی از یک سو و توتالیتاریسم استالینی از یک طرف و جنبش‌های رهایی‌بخش ملت‌های زیر سلطه گریزی نداشت. وی همانند نخبش با نگاهی انتقادی و از موضعی مستقل و تا حدی برون از آن گفتمان‌ها به این پدیده‌ها می‌نگریست. در نقد و ارزیابی مطالعات سرمایه‌داری لیبرال و سوسیالیسم استالینی و اسامیا مدرنیته غربی از موضعی مستقل و برپایه آموزه‌های ارزشی و اخلاقی و حتی هستی‌شناسی توحیدی عمل می‌کرد، اما به مواجیه با انقلاب‌ها و جنبش‌های رهایی‌بخش، درون آنها قرار گرفت و نتوانست ضعف و نارسایی‌های آنها را به درستی تشخیص دهد.

مدل دموکراسی ارشادی را رهبری نشده را که در آن مقطع، توسط برخی کشورهای تازه‌استقلال یافته در آسیا و آفریقا به کار می‌رفت اخذ کرد و به عنوان مناسب‌ترین روش در یک مرحله از پیشرفت به سوی دموکراسی توصیه کرد بی آنکه مشکلات و عوارض پیروی از چنان مدلی را شناسایی و مورد نقد قرار دهد.

■ **در داخل ایران کسان دیگری هم بودند که مارکسیسم یا همان سوسیالیسم علمی را که در آن زمان مطرح بود نقد می‌کردند و به اراده انسان هم قائل بودند.** مثل آقای رحیمی و نیروی سومی‌ها. تفاوت مرحوم نخبش با این گروه در چه بود؟

وقتی آنها این سنت فکری – فلسفی را نقد می‌کردند، جایگزینی برای آن ارائه ندادند. این گفتگند کدام سنت فلسفی و جهان‌بینی باید پشتوانه فعالیت انسان و محرک انگیزه‌ها و مسئولیت‌های افراد و توجیه‌کننده اقدامات اراده‌گرایانه آنان قرار گیرد. نخبش و بعدها در ادامه راه او شریعتی اخلاق و ایمان به خدا را به عنوان یک جهان‌بینی و نظام ارزشی زیربنایی محرک‌های جنبش‌های عدالت‌خواهی و مبارزه بر ضد استبداد و سلطه و تحقق آزادی و برابری قرار دادند. نخبش در این زمینه کنش جمعی انسان‌ها را نقطه عزیمت خود برای رسیدن به پایب فکری و فلسفی و نظام اخلاقی سیاست عمومی می‌ناب کرد. کنش جمعی (و حتی فردی) معطوف به هدف‌های عمومی و نیز دموکراسی و عدالت اجتماعی و صلح. با توجه به دشواری‌های راه و هزینه‌ها و رنج‌هایی که بر آنان تحمیل می‌کند و لذات و منافع شخصی‌شان را تهدید و قربانی می‌کند در یک سو نیازمند انگیزه‌های قوی اخلاقی و درونی و بالاتر از آن هستی‌شناختی است که آن مبارزات و ایستادگی‌ها را موجه و معقول می‌نماید. و از سوی دیگر یک مبنای فکری – فلسفی (نظام عقلانی) که تدوین روش‌های زندگی و سلوک اجتماعی و مدل‌ها و نظامات مختلف و مورد نیاز را امکان‌پذیر سازد.

پس هم برای اثبات مشروعیت آن اقدامات و هم تقویت انگیزه‌های درونی – اخلاقی و هستی‌شناختی لازم برای درگیرشدن در عمل اجتماعی و سیاست عمومی به پشتوانه‌ای از روایت‌های تئوریک و فلسفی احتیاج است. یعنی نوعی از سنت فکری – فلسفی (فرهنگی) و یا دینی که آن نوع کنش اجتماعی معطوف به هدف را برای فرد و جمع معنادار و موجه سازد و تضاد میان انگیزه‌های شخصی و مصالح عمومی را حل کند. سازگاری و وحدت میان علایق شخصی و علایق اجتماعی و آرمانخواهی را تأمین کند. در این جا از «سنت» مفهوم عام‌ان مد نظر است و ربطی به معتقدات و باورهای کهن و سپری شده ندارد. بلکه نظریه سنت جاری و زنده را داریم. در غرب، سنت فلسفی – فکری اومانیسیم و خرد مدرن، پشتوانه مبارزه برای دموکراسی بود. هر مقوله‌ای در عصر مدرنیته آمد پشتوانه‌ای از سنت بسیار درازمدت از زمان اسطوره‌ها دارد. هر ایده تازه‌ای که در عصر مدرن طرح شد به آیدئولوژی یک سنت فکری – فلسفی (دینی) که ریشه‌های آن بعضاً تا عصر اساطیر و یا دوران فلسفه یونان و حقوق روم باستان و بعضاً قرون وسطای مسیحی عقب می‌رفت، متصل گشته است. چنان‌که سنت‌های فلسفی و فکری کنونی پدیده‌ای از عناصر و روایات اساطیری، فلسفی و دینی متکی است. کار نخبش این بود که مقوله‌های آزادی و برابری و سوسیالیسم و دموکراسی و مبارزه اجتماعی و فداکاری در راه این آرمان‌ها را به سنت فکری – فلسفی و نظام ارزشی و اخلاقی خدایپرستی (ایمان به خدا) متصل کند. زیرا این سنت فکری – ایمانی در شکل

سال چهارم ■ شماره ۸۵۴ *شوق* *روزانه*

## گزارش

گزارش سخنرانی محمدرضا تاجیک در اعتماد ملی

## سویر مذهبی‌هایی که سوپر آمریکایی شدند



گروه سیاسی، احسان تقدسی: ششمین جلسه آسیب‌شناسی جریان اصلاحات پنجشنبه هفته گذشته در دفتر مرکزی حزب اعتماد ملی به میزبانی شاخه جوانان و دانشجویان این حزب و بسا سخنرانی محمدرضا تاجیک برگزار شد. هم‌اکنون حزب اعتماد ملی به دبیرکلی مهدی کروبی می‌کشد با آسیب‌شناسی و یافتن نقاط ضعف و قوت هشت سال اصلاح طلبی، تعریفی نوین از اصلاحات ارائه دهد. محمدرضا تاجیک استاد دانشگاه شهید بهشتی و رئیس سابق مرکز تحقیقات ریاست جمهوری سخنان خود را با طرح پرسش‌هایی آغاز کرد: «اگر اصلاحات تنها آلترناتیو ماست، موقعیت و شرایط ما چیست؟ در کدامین مرحله سیاسی قرار داریم؟ از منظر آسیب‌شناسی چگونه می‌توانیم به بحث در مورد جریان اصلاحات بپردازیم؟ چرا گاهی راه اصلاحی را در بازگشت به خوشتن خوش و خوشتن اسلامی خویش جست‌وجو کردیم؟ چرا گاهی طمع در میوه‌ها را با سایر باغ دیگران کردیم، نارفته‌راه، رسیدن را طلب کردیم. همه چیز را کنار گذاشتیم، دفتر اصلاحات را بستیم و به‌سوی دیگر گرایش پیدا کردیم. . . .

#### تقریف از اصلاحات ندادیم

وی در ادامه سخنان خود را اینچنین ادامه داد: «هرگاه نسیم اصلاحات در جامعه وزیده، دیری نپاییده که دست‌هایمان از هم جدا شد و در درون خود شروع به دگرسازی کردیم، هنوز نه تعریفی از اصلاحات ارائه دادیم و نه نتاسب‌مان را با سایر نخله‌های فکری مشخص کرده‌ایم و نه تائیکت‌مان و نه خودی و غیرخودیی‌مان و نه درون و بیرونمان مشخص است. «این استاد دانشگاه افزود: در بیان، خوب از دموکراسی، مدرم‌سالاری و جامعه‌مدنی و دگرپذیری سخن می‌گویم اما رفتارمان تفاوت چندانی با گروه‌های توتالیتار که همه چیز را به خود ختم می‌کنند، ندارد. رئیس سابق مرکز تحقیقات استراتژیک در ادامه با بیان اینکه «آغازگران قاهری هستیم و ادامه‌دهندگان ضعیف» تأکید کرد: «دنیای غرب سه قرن تجربه را طی کرده، اما ما حوصله سه قرن تجربه‌راندازیم و ناگهان نیروهای اجتماعی که پشت‌سرمان جمع کرده‌ایم را در یک مدت قلیل در کاسه‌رقب می‌یزیم و دوباره به نقطه شروع بازمی‌گردیم. اما تاریخ در انتظار کسانی که غشیه‌های مدام دارند نمی‌ماند بلکه خط مسیر خود را دارد. «مشاور رئیس‌جمهور سابق ایران در ادامه با بیان اینکه توتانسیتم جریان اصلاحی را به یک فرهنگ مزین کنیم، گفت: «تولید فرهنگ حرکت در یک خط مستدار را طلب می‌کند و نه حرکت دورانی و چرخشی را. دکتر تاجیک همچنین فرهنگ حزبی در ایران را فرهنگ «پاتوق و محفلی» دانست و گفت: «حتی در درون حزب نیز فشتاد و دو ملتیم، پیرامون یک شخصیت جمع می‌شویم که با رفتن او خیلی چیزها عوض می‌شود، پرداختن به حزب در حاشیه کار و زندگی ماست و با آن حرفه‌ای و جدی برخورد نمی‌شود.»

#### نامشخص نداشتیم

رئیس سابق مرکز تحقیقات استراتژیک در ادامه ایراد بعدی اصلاح طلبان را فقدان «امنیشت» رهامانی عمل دانست و گفت: «به‌طور مشخص تحلیلی از مرحله عمل سیاسی نداشتیم. استراتژی یک حزب چیزی نیست که یک بار و برای زمانی مراحل نوشته شده باشد، بازگرا نسیاسی باید فرزندان زمانه باشد، ما نمی‌توانیم یک شام‌خدا داشته باشیم و با آن در تمام قفل‌ها را در همه‌عرصه‌ها و همه‌نسل‌ها باز کنیم، چگونه است که می‌گویم دین عصری است اما آیات سیاسی‌ای که از آن‌ها نازل می‌کنیم، از آیات قرآن محکم‌تر می‌دانیم. «تاجیک افزود: «یکی از علل ناکامی اصلاح طلبان این بود که گفتمانشان در زمان ماند و زمان رفت، گفتمان اصلاح طلبان همان بود که هشت سال پیش گفته و بافته شده بود، ما توقع داشتیم زمان خود را با هم‌همانگش کنند. «رئیس سابق مرکز تحقیقات استراتژیک افزود: «اصلاحات تزلزل‌ناپذیر بر مصدر قدرت نشست، مقتضیات قدرت با مقتضیات حرکت جنبش مغفارت بود، جنبش تبدیل به نظام شد و دوستان غافل شدند از اینکه این جنبش را باید تعمیم دهم. مردان فکر و اندیشه، مردان سیاست قدرت شدند و به این اندیشیدند که چگونه می‌توان بر مصدر قدرت ماندگار شد.»

#### مشکل تشکیلاتی داشتیم

تاجیک یکی دیگر از ضعف‌های اصلاح طلبان را مشکلات تشکیلاتی دانست و گفت: «توتانسیتم یک سامان سیاسی را ایجاد کنیم که همگان در ذیل چتر آن قرار بگیرند و حداقل در زیر آن چتر همگان «ایرغار» هم باشند و نه «خواره» «همدیگر. «این استاد دانشگاه افزود: «تشکیلات ما واصله پنه‌ای بود که از هر گوشه‌آن نوابی می‌خواست. همه می‌خواستند گفتمان آنها گفتمان مسلط باشد و این مشکلی بود که نگذاشت تشکیلات شکل بگیرد. «مشاور رئیس‌جمهور سابق ایران گفت: «تشکیلات بدون مرکز بود، هر کس می‌خواست وارد می‌شد و ما حتی گاهی می‌دیدیم جریانی وارد شد و در حال مصافه‌کل جریان اصلاحات است، در فضای ژورنالیست آنها چهره شدند و صد جانی بلند داشتند صدایشان بسیار به گوش می‌رسید، اقتدر سیسوی حرکت کردند که از سوپرمدعی، سوپرآمریکایی شدند و حیثیت اصلاحات را بر باد دادند، هرچه آنان کردند بر پشانی اصلاحات خورد، در فضای جبهه‌ای توتانسیتم سامان مشخص گروهی را مشخص نکرد که هر کس وارد این حرم می‌شود باید اهل حرم باشد و نسبت به آن حرمت گذارد و آداب رفتار در این خانه را بداند. «این استاد دانشگاه در ادامه گفت: «بخشی از روشنفکران اصلاحات پروژه ایدئولوژی‌دایی را در دستور کار گذاشتند در حالی که اگر ایدئولوژی‌زدایی می‌کرد باید چیزی بر جای آن بنشاند، این باید شد که ما دچار فقر سماجت مقدس شویم، این حرکت (اصلاحات) همه‌اش نونش نیست، نیش‌هایی هم دارد.»

#### اصلاحات پرچمدار زیاد داشت

رئیس سابق مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری در ادامه در پاسخ به سئوالی که آیا بهتر نبود اصلاحات یک پرچمدار داشت، گفت: «اصلاحات زیادی پرچمدار داشت. «تاجیک با اشاره به دغدغه‌های خاتمی در دوران اصلاحات گفت: «وقتی افرادی از بخشی از اصلاحات عبور کردند باعث نگرانی خاتمی شد، خاتمی می‌گفت من نمی‌توانم بگویم فقط رئیس‌جمهور اصلاح طلبانم بلکه من رئیس‌جمهور تمام مردم هستم، خاتمی معتقد بود اصلاحات نیاز به حرکت آهسته دارد اما دوستان ما تحمل نداشتند و به شکل دیگری گام برداشتند. مشاور رئیس‌جمهور سابق ایران در مورد خاتمی هم گفت: «یکی از کسانی که در کشور ما فرهنگ اصلاحات را در خود رشد داده، آقای خاتمی بود. من نمی‌گویم خاتمی ضعف‌ناگت، تردیدی ندام که داشت اما می‌توانست بهتر عمل کند، ما باید افراد را در حد و قواره خودشان پندایان‌باشیم، قرار نیست اگر کسی در حد و قواره مورد نظر ما نبود طرد شود.»